بیانات در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) - 1 /مرداد/ 1376

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم
من هم عید سعید میلاد حضرت نبیّ اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلّم و ولادت با سعادت حضرت امام جعفر صادق علیه الصّلاة والسّلام را به همه مسلمین، ملت بزرگ ایران و همه محبّان اهل بیت علیهم السّلام و به شما حضّار عزیز، مخصوصاً میهمانان گرامیِ این روز شریف - چه میهمانانی که از خارج از کشور تشریف آورده اند و چه میهمانان عزیزی که از مناطق دوردست کشور، از بلوچستان و جاهای دیگر در این جلسه صمیمی حضور دارند - و بالأخص خانواده های معظّم شهیدان و جانبازان عزیز و آزادگان، تبریك عرض می کنم و امیدواریم که خداوند متعال به برکت این روز بزرگ، بر همه امّت اسلامی و جوامع مسلمان، خیر کثیری عاید و نازل فرماید.
درباره وجود مقدّس نبّی اکرم، اوّلاً باید بگوییم که معرفتِ آن بزرگوار بالنّورانیّه برای امثال ما میسّر نیست. حقیقت آن وجودِ معظّم و مکرّم و آن برترین موجود بشری در همه تاریخ و عزیزترین موجود در عرصه وجود، از ابعاد مادّی فراتر است. از آنچه انسانها با عقل و تجربه و حواسّ خود، از نبوغها و خردمندیها و دانشمندیها و تجربه ها می یابند و شخصیّتی را به مقام بالا و مکان رفیعی می نشانند ؛ یکی را فروتر از او، و باز یکی را فروتر از او، این وجود عزیز، از این سلسله مراتب بالاتر است.
اگر هیچ روایتی، هیچ آیه ای و هیچ اثر شرعی ای هم وجود نمی داشت، انسان می توانست به دلایل و امارات بفهمد. این معنا، معنای بسیار رفیعی است. کسانی که اهل این معانی هستند، می توانند سنجی از آن نورانیّت را درك کنند. ما با همین حواسّ ظاهری و با محدودیّت خودمان، آن وجود عزیز و عظیم را می بینیم و می شناسیم و حس می کنیم.
در همین ابعادی که همه انسانها می توانند بفهمند، این وجود عظیم الشّأن، با هیچیك از بزرگانِ بشر قابل مقایسه نیست. مثلاً ملاحظه بفرمایید، وجود مقدّس علی بن ابی طالب علیه الصّلاة والسّلام، چشم بسیاری از فرزانگان عالَم را در گذشته و حال، به خود جلب کرده است و او را شخصیتی بزرگ و موجودی شبه افسانه ها دانسته و توصیف کرده اند. اما همین شخصیت، با این ابعاد عظمت، در مقابل وجود مقدّس نبیّ اکرم، یك شاگرد و یك فرزند کوچك و کسی است که در مقابل آن عظمت، برای خود شأنی نمی شناسد. این طور ملاحظه کنید که در مجموعه وجودِ با عظمت نبیّ اکرم که چون اقیانوسی بی کران است، شخصیت امیرالمؤمنین گم است. از این جا می شود ابعاد آن عظمت را حدس زد.
آن چه به دنیای امروز ما ارتباط دارد، نکته ای است که من مکرّر بر آن پا می فشارم و آن، این است که در بین فِرَق اسلامی - که امروز مسلمین خیلی گرفتاری و نابسامانی دارند و با آن دست به گریبانند و باید از هر وسیله ای برای نجاتِ خود از این گرفتاریها استفاده کنند - یك نقطه وجود دارد که در آن نقطه، هیچ اختلاف بین آنها نیست. حتّی در عقیده توحید هم که متفقٌ علیه است، ممکن است کسانی تفسیر و حرفی داشته باشند که آن دیگری قبول نداشته باشد ؛ اما در این نقطه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن، محبّت و ارادت به نبیّ مکرم اسلام حضرت محمدبن عبداللّه صلی اللّه علیه وآله و سلّم است. این، یك نقطه اجتماع و اتّحاد است و روی آن بایستی تلاش شود. ما قبلاً هم این را گفته ایم، بعضی از اصحاب همّت هم تلاش کرده اند که بر این اساس، اجتماعی بین فِرَق مسلمین به وجود آید. امروز هم کسانی که اهل همّتند، باید بر این اساس بنشینند و مسلمین را به این نقطه وحدت، متوجّه و متنبّه کنند.
به مناسبت برکات این مولود، یك جمله درباره مسائل مربوط به دنیای اسلام عرض کنیم. آن جمله این است که مسلمین، وضع کنونی خودشان را بفهمند و بشناسند و حس کنند که دشمنان اسلام، چه خوابهای وحشتناکی برای آینده مسلمین دیده اند! علاوه بر آنچه که تاکنون انجام داده اند، صِرف همین معرفت به وضع، انسانهای بیدار دل را

باید متوجّه به علاج کند. علاج، امر ساده و بسیطی نیست ؛ لیکن دو، سه نکته اساسی دارد:
در درجه اوّل، مسأله وحدت و اتّحاد مسلمین است. این قضیه اتّحاد مسلمین را همه فِرَق اسلامی - چه شیعه و چه سنّی، چه مذاهب مختلف اهل سنّت و چه مذاهب شیعه - باید جدّی بگیرند. امروز مسلمانان وحدت اسلامی را جدّی بگیرند. وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یك مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتّحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی کند ؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند ؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.
من به چشم خود، دستهای توطئه گری را می بینم که بخصوص در سالهای اخیر - بعد از حمله ای که پس از پیروزی انقلاب شروع کردند ؛ اما با حرکت قاطع انقلاب اسلامی و رهبر عظیم الشّأن و امام بزرگوار ما خنثی شد - به شکل بسیار خطرناکی، برای ایجاد تفرقه بین مذاهب و مسلمین تلاش می کنند. دشمنان، همیشه با اتّحاد مسلمانان مخالف بوده اند. تاریخ، شاهد بر این معناست. اما امروز که پرچم مظفّر اسلام، در این نقطه از عالم، با عظمت و عزّت برافراشته شده است، بیشتر از همیشه از وحدت اسلامی می ترسند.
عزیزان من! حضور جمهوری اسلامی در این دنیای بزرگ ؛ حضور این دولت قدرتمند، این نظام مقتدر و مستقل، این ملت شجاع و سربلند و فعال و کارآمد و مؤمن، این کشور بزرگ، این انقلابی که توفیق خود را در اغلب عرصه ها تا امروز اثبات کرده است - هم در پیروزی انقلاب، هم در پیروزی بر تهاجم دشمن بیگانه در جنگ تحمیلی، هم در عرصه سازندگی - و توانسته است وحدتِ ملی به صورت کاملی حفظ کند، دشمنان اسلام را به شدّت به فکر فرو برده است. آنها می ترسند ؛ چون می بینند که این انقلاب جاذبه دارد. هر جا در دنیا مسلمانی هست، وقتی سر بلند می کند و چشمش به این پرچم برافراشته و به اهتزاز درآمده می افتد، به هیجان می آید و احساسات اسلامی در او زنده می شود. شما ببینید از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیجانات و احساسات و حرکات اسلامی و موفّقیتهای گروههای مسلمان در منطقه اسلامی، چقدر زیاد شده است! از شمال آفریقا و الجزایر بگیرید، تا به این جا برسید و به طرف شرق بروید. این، به برکت همین پرچم رفیع و بلند است. احساس استقلال، احساس هویّت اسلامی و احساس شخصیت در جوامع اسلامی زنده شد و دشمن اسلام و مسلمین، خائف گردید. کسانی که دهها سال تلاش کرده بودند و تا مسلمانان را ضعیف و دلمرده و بی شخصیت و بی هویّت بار بیاورند، ناگهان دیدند که همه بافته هایشان پنبه گردید و همه نقشه هایشان نقش بر آب شد. قیام این دولت اسلامی، به مسلمانان احساس اعتزاز داد. دشمنان درصدد برآمدند که از طرق مختلف، رابطه بین دولت اسلامی در ایران و بین جوامع و مجامع مسلمان در اقطار عالم را قطع کنند. این کار را می کنند. یکی از آنها، طُرق مذهبی است ؛ جنگ سنّی و شیعه، دعوای سنّی و شیعه، عمده کردن و درشت کردنِ تفاوت مذهبی، که آنها شیعه اند و به شما کاری ندارند ؛ در حالی که ما در این جا پرچم حکومت اسلام و قرآن و نام مبارك پیامبر اکرم حضرت محمّد مصطفی را بلند کرده ایم. این چیزی است که همه مسلمانان، مشتاق و عاشق آن هستند. یکی از راهها این است. یکی از راهها این است که با تهمت تروریسم و امثال آن، جمهوری اسلامی و این ملت بزرگ و این دولت معنوی و اخلاقی و ارزشی را در دنیا از چشمها بیندازند.
این که می بینید تهمت حقوق بشر، مخالفت با حقوق بشر، نقض حقوق بشر، دست زدن به ترور و امثال اینها را این همه خرج می کنند، برای آن است که این را در دنیا اثبات نمایند! خودِ آنها می دانند که دروغ است. این، برای آن است که افکار عمومی عالم، از نظام جمهوری اسلامی فاصله بگیرد. این، برای همان ایجاد شکاف است. این، برای آن است که میان این پایگاه رفیع اسلام و قرآن و جوامع مسلمان در سرتاسر عالم، انجذابی ایجاد نشود. البته خدای متعال کید آنها را باطل می کند: «انهم یکیدون کیداً و اکید کیداً»، «و مکروا و مکرالله». در طول این چند سال، هر کاری که {P . طارق: 15 و P 16}
{54 P :عمران آل . P}
اینها کردند، خدای متعال آن را باطل کرده است. اما به هر حال، دشمنْ مانع تراشی و ایجاد اشکال می کند و مشکلات می آفریند ؛ در جاهایی هم رسوا می شود، اما دست بر نمی دارد! این جاست که مسأله اتّحاد و وحدت اسلام و تفاهم

اسلامی معنا پیدا می کند. ببینید این قضیه چقدر مهمّ است! ببینید این مسأله برای فردای دنیای اسلام، چقدر حائز اهمیت است! این، قضیه ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام حساب کنند. من به همه می گویم ؛ هم به اهل سنّت، هم به شیعه، هم به کتاب نویسان، هم به شعرا، هم به مطبعه چیها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند، حرفی می زنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالِم به زمان باشید ؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهمّ است.

همه مخاطب به این کلامند. شیعه و سنّی ندارد. فرقی نمی کند ؛ ایرانی و غیرایرانی ندارد. ما خوشبختانه در ایران، با برادران اهل سنّت مشکلی نداریم. در طول مدت هفده، هجده سال بعد از انقلاب، همیشه با حال صفا و محبّت و صمیمت زندگی کرده ایم ؛ خدا را شاکریم. برادران ما در مناطقی که اهل سنّت بیشتر مستقر هستند، بیشترین کمکها را به دولت و نظام اسلامی کردند. مسأله، مسأله دنیای اسلام است. مسأله، مسأله فردای اسلام است.

عزیزان من! امروز دولتها، کشورها، مجامع و مجموعه های بین المللی، برای این که خود را در عرصه مبارزه زندگی موفّق کنند، از همه امکانات خودشان - امکانات جغرافیایی، امکانات تاریخی، امکانات قومی - استفاده می کنند. چرا مسلمانان، از این امکان عظیم موهوب به آنها از طرف پروردگار، استفاده نمی کنند؟ امروز منطقه جغرافیایی مسلمانان، مهمترین مناطق عالم است. کشورهای آنها از لحاظ طبیعی، جزو ثروتمندترین کشورهای عالم است. امروز دروازه آسیا به اروپا، دروازه اروپا به آسیا و آفریقا، آفریقا به اروپا و آسیا، متعلّق به مسلمانان است. این منطقه سوق الجیشی و سرزمینهای بابرکتی که در اختیار مسلمانان است، امروز حامل و حاوی امکاناتی چون نفت و گاز و امثال اینهاست که بشر برای تمدّن خود، به صورت روزمرّه به آن احتیاج دارد. یك میلیارد و چند صد میلیون نفر مسلمان هستند ؛ یعنی بیش از یك پنجم مردم دنیا. این همه جمعیت، در چنین منطقه ای ؛ آن هم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه - یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلی دنیای اسلام است - چرا باید از این استفاده نشود؟ این، یك امکان بزرگ در اختیار مسلمانان است. وسوسه جدایی دین از سیاست را که یك روز انگلیسیها گفتند، یك روز امریکاییها ترویج نمودند و یك روز ایادی آنها در بوق کردند، برای این است که مسلمانان از این امکان و از این موقعیت غفلت کنند. در این زمینه، بیشترین وظیفه را هم خواص دارند. خواص، یعنی علما و روشنفکران و شعرا و خطبا و روزنامه نگاران و صاحبان نفوذ در بین گروههای مردمی. اینها هستند که بیشترین تکلیف را دارند. وقتِ آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را به عنوان صراط المستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن، با استحکام قدم بردارد. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام، اتّحاد خود را حفظ کند و در مقابل دشمن مشترکی که همه گروههای اسلامی، آسیب آن دشمن را دیده اند - یعنی استکبار و صهیونیسم - به طور متّحد بایستد، شعارهای واحدی بدهد، تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بپیماید. ان شاءاللّه مورد تأیید پروردگار و مورد حمایت قوانین و سنن الهی هم خواهد بود و پیش خواهد رفت.

امیدواریم که خداوند متعال جوامع مسلمین را بیدار کند، دولتهای اسلامی را به وظایف خودشان آشنا گرداند، همه ما را در این صراط مستقیم الهی ثابت قدم بدارد و قلب مقدّس ولی عصر ارواحنا فداه را نسبت به جوامع مسلمانان متوجّه فرماید و دعای آن بزرگوار را شامل حال همه گروههای مسلمان قرار دهد.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته